

تحلیلی بر آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب

۱۳۸۷/۹/۱۲ در مقایسه با آیین‌نامه کمیسیون عفو ، تخفیف و تبدیل

مجازات مصوب ۱۳۸۷/۵/۱۶

دکتر علی صفاری *

بهناز رضایی **

چکیده

نهاد عفو یکی از موارد سقوط عینی مجازات‌ها است، به این معنا که مقنن در پاره‌ای مواقع با توجه به مصالحی از اجرای مجازات در مورد مرتکبین جرم صرف نظر می‌کند. این نهاد در حقوق کیفری ایران مسبوق به سابقه است. در حال حاضر، بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ به این موضوع اختصاص دارد.

مقررات فرعی مربوطه به تشریفات و مواعد اعطای عفو، همچنین تعیین محکومان شایسته برای عفو یا تخفیف کیفر بر اساس آیین‌نامه‌ها و تصویب نامه‌های نهادهای صالح قانونی تعیین می‌گردد. قبل از انقلاب اسلامی هیئت دولت عهده‌دار این امر بود ولی در حال حاضر رئیس قوه قضائیه جایگزین هیئت دولت در این مسأله شده است. لذا اولین آیین‌نامه در این خصوص در تاریخ ۱۳۲۴/۷/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید و از آغاز

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

نگارش این آیین نامه در ایران تا کنون بیش از ۱۰ مرتبه آیین نامه عفو مورد جرح و تعدیل قرار گرفته است. در آخرین اصلاحات مربوط به این بنیان حقوق کیفری مورخ ۸۷/۵/۱۶ «آیین نامه کمیسیون عفو، تخفیف، و تبدیل مجازات» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید اما در کمتر از چهار ماه مجدداً در مورخ ۸۷/۹/۱۲ آیین نامه جدیدی با عنوان «آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین» به تصویب همین مقام رسید.

از آنجا که این تغییر سریع در مقایسه با موارد قبلی بسیار غیر عادی می نمود و دلیلی هم برای آن به طور رسمی ذکر نشده بود و از طرفی تبدیل مجازات نیز بر خلاف موارد قبلی به آیین نامه عفو افزوده شده لذا در این جستار سعی می شود تا با بررسی تعریف عفو و سابقه آیین نامه های مربوطه و مقایسه متن دو آیین نامه اخیر با یکدیگر برخی از واقعیت ها در این خصوص بررسی و تحلیل گردد.

به نظر می رسد که نه مفهوم لغوی و نه اصطلاحی عفو دست کم با مطلق تبدیل کیفر هماهنگی ندارد و تبدیل کیفر در حال حاضر برابر قوانین موضوعه از اختیارات دادگاه و مقام قضایی و به هنگام صدور حکم است و مصادره آن توسط مقامات اداری و اجرایی قوه قضائیه بر خلاف قانون بوده و به استقلال قضات و نیز استحکام آرای دادگاه ها خدشه وارد می کند.

کلید واژگان

عفو، تخفیف و تبدیل مجازات، آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین.

مقدمه

اگرچه در همه اعصار و جوامع مختلف، متداول‌ترین واکنش در برابر جرم و قانون شکنی تنبیه و مجازات مرتکب بوده اما نهاد عفو نیز از دوران بسیار کهن در کنار مجازات وجود داشته و افرادی که مرتکب جرم می‌شدند در مواردی و با شرایطی مورد عفو قرار می‌گرفتند. در عصر حاضر نیز با وجود نهادهایی چون آزادی مشروط، انواع تعلیق مجازات و ... بنیاد عفو همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است.

نهاد عفو در حقوق کیفری ایران سابقه‌ای طولانی دارد.^۱ در قوانین ایران قبل از انقلاب اسلامی، اقسام عفو و شرایط اعمال هر یک در قانون مجازات عمومی بیان شده بود. بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی عفو و تخفیف مجازات محکومان مورد حکم قرار گرفته است. برابر بند یازده از اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف و اختیارات رهبر « عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه» می‌باشد. ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز در همین زمینه اشعار می‌دارد: « عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است.»^۲ در جهت اجرایی کردن این حکم مقنن، آیین‌نامه‌های متعددی تحت عنوان «

۱. رضا، نوربها؛ زمینه حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۸، ص ۴۵۴ تا ۴۵۶.
و حسین، رجائی؛ اختیار ولی در امر عفو محکومان، به راهنمایی: محسن رهامی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۴.

۲. روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۰ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱، لازم به ذکر است که قانون مزبور مصوب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و به صورت آزمایشی به مدت پنج سال بوده که چندین بار تمدید گردیده و پس از تمدید یکساله در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۰ مدتی بدون تمدید مهلت آن مورد عمل

آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی^۳ و در نهایت « آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین^۴ مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به اجرا گذاشته شده است.

از آغاز نگارش اولین آیین‌نامه توسط هیئت وزیران در خصوص عفو محکومین در ۱۳۲۴/۷/۲۸ در ایران تاکنون بیش از ده مرتبه آیین‌نامه‌های عفو مورد جرح و تعدیل قرار گرفته یا جایگزین شده‌اند. در یکی از اصلاحات اخیر مربوط به مقررات این بنیان حقوق کیفری در مورخ ۸۷/۵/۱۶ «آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف، و تبدیل مجازات^۵» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید اما در کمتر از چهار ماه مجدداً در مورخ ۸۷/۹/۱۲ «آیین‌نامه آذر ۸۷» به تصویب همین مقام رسید. از آنجا که این تغییر سریع (ظرف مدت کمتر از چهار ماه) در مقایسه با موارد قبلی بسیار غیر عادی می‌نمود و دلیلی هم از سوی مقامات رسمی و قانونی برای آن ذکر نشد لذا در این جستار سعی شده تا با مقایسه متن دو آیین‌نامه با یکدیگر برخی از واقعیت‌ها در این خصوص بررسی و تحلیل گردد.^۶

←

محاکم بود و آخرین بار در تاریخ ۸۹/۹/۲۸ تا پایان سال ۱۳۹۰ تمدید شده است (روزنامه رسمی شماره ۱۹۲۰۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۴).

۳. به عنوان نمونه نگاه کنید به: «آیین‌نامه‌های کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۶۹/۱۱/۲۰ و ۷۱/۱۲/۱۶ و ۱۳۷۳/۹/۱۹».

۴. روزنامه رسمی شماره ۱۸۵۸۱ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۱؛ از این به بعد برای سهولت به اختصار «آیین‌نامه آذر ۸۷» نامیده می‌شود.

۵. روزنامه رسمی شماره ۱۸۴۸۳ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۳؛ از این به بعد برای سهولت به اختصار «آیین‌نامه مرداد ۱۳۸۷» نامیده می‌شود.

۶. بد نیست اضافه شود که اندیشه مقایسه آیین‌نامه‌های مورد بحث اولین بار در درس «تاریخ تحولات حقوق کیفری» دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی

ملاحظه و مقایسه دو آیین‌نامه اخیر نشان می‌دهد که تغییر جزئی ولی بسیار مهم عنوان آیین‌نامه، انجام برخی اصلاحات عبارتی، مرتب کردن مواعد پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات بر یک محور ارزشی (وقایع مقدس مذهبی بر اساس تاریخ مورد قبول تشیع)، سعی در رفع برخی تعارض‌ها با قانون و اصلاح بعضی تعارضات بین مواد آیین‌نامه قبلی و دست آخر محدود کردن اختیارات کمیسیون استانی در آیین‌نامه جدید نسبت به آیین‌نامه قبل از آن مد نظر تهیه‌کنندگان آن بوده است. بر همین اساس، در قسمت نخست این جستار در پرتو بازبینی تعریف عفو و سابقه اعمال آن، جایگاه تبدیل کیفر با استفاده از عفو در مقایسه با قانون بررسی می‌شود. سپس در قسمت دیگر مقاله، ضمن اشاره به فرایند درخواست عفو یا تخفیف کیفر، اصلاحات عبارتی و تغییرات جزئی در ترتیب مواعد پیشنهاد عفو، همچنین ترکیب و اختیارات کمیسیون‌های مرکزی و استانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتیجه اینکه تغییر سریع «آیین‌نامه مرداد ۸۷» به منظور رفع اشکالات موجود در آن توسط خود مقام تصویب‌کننده پسندیده است و حذف کلمه «تبدیل» از عنوان «آیین‌نامه آذر ۸۷» در مقایسه با آیین‌نامه قبل نیز در تطبیق بیشتر آن با قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی است ولی عدم حذف واژه «تبدیل» از متن آیین‌نامه به دلیل مغایرت آشکار با قانون اساسی و قانون عادی قابل درک نمی‌باشد.

الف) تعریف عفو و سابقه اعمال آن

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی عفو

عفو دارای معانی گوناگونی در فارسی است: بخشودن، بخشایش، از گناه کسی در

← (واحد علوم و تحقیقات) توسط مولف اول مطرح و با علاقه‌مندی مولف دوم بدو به عنوان کار تحقیقی کلاسی و سپس با جرح و تعدیل‌های زیاد به صورت کاری مشترک در قالب حاضر تدوین گردید.

گذشتن، ترک و رها کردن، صرف نظر کردن، گذشت، مغفرت، و احسان خواستن را می توان مثال زد.^۷ خداوند بارها در قرآن کریم و به طور مثال در سوره (زمر) بر کارکرد عفو با استفاده از واژه «عفو» و مشتقات مختلف لفظ «غفران» تأکید نموده است.^۸ در حقوق کیفری نیز عفو به اقدامی گفته می شود که با موافقت بالاترین مقام حکومتی که برابر قانون اختیار عفو را دارد و یا با تصویب مجلس قانون گذاری به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومین انجام می گیرد. اعطای عفو به طریق اول بیشتر با مفهوم «عفو خصوصی» یا «خاص» یا «عفو شخصی» در اصطلاح حقوقی آن و عفو از طریق دوم با «عفو عمومی» یا «عام» یا «عفو واقعی» قابل مقایسه است.^۹ آنچه

۷. حسن، عمید؛ فرهنگ عمید دو جلدی، جلد دوم، ص ۷۲۵ بی تا همچنین نگاه کنید به:

- محمد، بندر ریگی؛ فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه منجد الطلاب، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، زیر ماده «عفا، یعفو، عفو» ص ۳۶۹.

- محمد، معین؛ فرهنگ فارسی معین، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۷۱۹.

۸. در سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۸ و (زمر) آیه ۵۳ آمده است: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، به نقل از منبع ذیل، در تفسیر روح البیان در خصوص این آیه اشاره شده: موسی علیه السلام گفت «الهی ترید المعصیه من العباد و تبغضها» گفت «یا موسی ذاک تأسیس لعفوی» یعنی معصیت بندگان به ارادت تو است آنکه آن را دشمن می داری و بنده را به معصیت دشمن می گیری، حق جل جلاله گفت: آن بنیاد عفو و کرم خویش است که می نهم، خزینه رحمت ما به راستی پُر است و اگر عاصیان نباشند ضایع می ماند. جهت آگاهی بیشتر. نگاه کنید به:

- اسماعیل، حقی برسویی؛ تفسیر روح البیان، احیاء التراث العربی، ج ۶، بی تا، ص ۶۷.

۹. به طور کلی عفو عمومی اختصاص به جرائمی دارد که در مواقع انقلاب های سیاسی و بحران های شدید اجتماعی به وقوع می پیوندد، و عده زیادی از افراد جامعه به خاطر مقاصد مشترک سیاسی - اجتماعی در آن شرکت می کنند. حق عفو عمومی متعلق به جامعه است. لذا جامعه می تواند بنا به مصالح و مقتضیات از تعقیب مجرمان و حتی از اجرای مجازات مقرر درباره آنان صرف نظر بکند از طرفی عفو خصوصی امتیازی است که بالاترین مقام هر کشور در اختیار دارد که به وی اجازه می دهد تا با عفو مرتکبین برخی جرائم

در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی آمده عفو به مفهوم خاص یا عفو خصوصی است و عفو عمومی از اختیارات قانون گذار است. شیوه پیشنهاد و اعمال عفو در قوانین مزبور حاکی از همین امر است. به هر حال نهاد عفو در هر یک از اشکال آن، یکی از موارد سقوط عینی مجازات‌ها است، به این معنا که مقنن یا سایر مقامات ذیصلاح قانونی در پاره‌ای مواقع با مصلحت اندیشی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی از اجرای مجازات در مورد برخی مرتکبان جرم صرف نظر می‌کند. به عبارت روشن‌تر، در چنین حالتی حاکمیت فایده‌ای را که در عدم اجرای مجازات مشاهده می‌کند، بیشتر از منافع حاصل از اجرای آن می‌داند. اهمیت این نهاد در حقوق کیفری به حدی است که بسیاری از نظام‌های حقوقی علی‌رغم مغایرت آن با اصل حتمی بودن مجازات‌ها و اصل تفکیک قوا، آن را پذیرفته‌اند.^{۱۰} به همین دلیل می‌توان گفت که عفو

←

فرصت جذب مجدد آنها در جامعه را فراهم آورد. به علاوه، اعطای عفو خصوصی در ترمیم خطاها و اشتباهات قضایی نیز بسیار مؤثر است. عفو خصوصی در حقوق کیفری ایران تنها شامل مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌گردد. زیرا، مجازات‌های مستوجب قصاص و دیه به دلیل آنکه جزو حقوق الناس محسوب می‌شود از شمول عفو به‌طور کلی مستثنا است. برای مطالعه بیشتر در خصوص عفو عام و عفو خاص، نگاه کنید به:

- رضا، نوربها؛ منبع پیشین، صص ۴۵۲ الی ۴۶۲.
- محمد علی، اردبیلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۸، ص ص ۲۶۱ تا ۲۷۲.
- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری جلد یک و سوم، نشر سازمان چاپ و انتشارات ارشاد، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵ ص ص ۲۰۲ و ۱۲۰.
- ۱۰. برای آگاهی از ایرادات مربوط به عفو نگاه کنید به:
- محمد علی، اردبیلی؛ منبع پیشین، ص ص ۲۶۱ تا ۲۶۳.
- علی، صفاری؛ کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، چاپ هجدهم، ۱۳۹۰، ص ص ۶۴-۶۵.

بیش از هر چیز یک نهاد و ابزار سیاسی در دست حاکمیت است تا از آن برای پیشبرد اهداف و مصالح سیاسی اش بهره‌برداری نماید. بند ۴ ماده ۲۴ «آیین نامه آذر ۸۷» در فصل سیاست‌ها و شرایط عفو نشانگر همین امر است که «توجه به ضرورت‌ها، مصالح اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای» را یکی از سیاست‌های اعطای عفو شمرده و بند یک ماده ۲۵ نیز رعایت این سیاست‌ها و تدابیر مندرج در آیین نامه را از شرایط عفو، تخفیف و تبدیل دانسته است.

بدیهی است در اعطای عفو به شرایط و مقتضیات زمانی، مکانی و شخصی مرتکبین و نوع جرائم نیز توجه می‌شود ولی تمامی اینها در پرتو رعایت مصالح اشاره شده به‌ویژه از بعد سیاسی دارای نقش کمرنگ‌تری هستند. شاید به همین دلیل یکی از ویژگی‌های این بنیاد حقوق جزا ارتباط آن با نظم عمومی است و نهاد عفو جزو قواعد آمره می‌باشد؛ به این معنا که رضایت محکوم علیه شرط استفاده از آن نیست بلکه این حکومت است که شرایط اعمال و اجرا و شمول این نهاد بر محکومان را تعیین و تعریف می‌نماید. در عین حال در اغلب آیین نامه‌های عفو جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی یا گذشت وی یکی از شرایط اعطا و در واقع اعمال عفو در مورد محکوم است (بند ۴ ماده ۹ و بند ۵ ماده ۲۴ «آیین نامه آذر ۸۷»).

معنای لفظی و اصطلاحی عفو آن طور که در قانون اساسی و عادی ایران آمده فقط شامل عدم مجازات یعنی چشم پوشی از کیفر یا قسمتی از آن (عفو خاص) می‌شود و کاربرد آن در مواردی مثل تبدیل کیفر از نوعی به نوع دیگر، حتی در جهت تخفیف، با معنای لفظی و اصطلاحی عفو هماهنگی ندارد. از قوانین گذشته و فعلی نیز همین امر

←

- ابوالفضل، بهرامی؛ جایگاه عفو در حقوق کیفری ایران، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، به راهنمایی: محمود آخوندی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۶، ص ۱۲

برداشت می‌گردد و در هیچ یک از مقررات مربوط به عفو و آیین‌نامه‌های سابق اشاره‌ای به تبدیل کیفر به عنوان عفو نشده بود. تنها موردی که می‌تواند در این زمینه تردید ایجاد کند تخفیف اعدام یا برخی دیگر از کیفرهای بدنی است که به دلیل عدم امکان درجه‌بندی آنها، عفو محکوم از چنین کیفرهایی به ناچار باعث تبدیل کیفر می‌شود که معمولاً حبس است. به نظر می‌رسد که به همین دلیل مقنن در مواد ۵۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ماده ۵۶ اصلاحی در سال ۱۳۵۲ به تبدیل اعدام به حبس و تبدیل حبس دائم به حبس جنایی تصریح کرده تا در اجرای عفو مشکل اشاره شده پیش نیاید. بنابراین عنوان «آیین‌نامه مرداد ۸۷» یعنی «آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات» با قانون اساسی و عادی و نیز با معنای لفظی و اصطلاحی عفو هماهنگی نداشت. شاید به همین دلیل در بازبینی سریع و غیر منتظره بعدی در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۲ کلمه «تبدیل» از عنوان «آیین‌نامه آذر ۸۷» حذف گردید. اما مشخص نیست چرا در متن این آیین‌نامه از جمله در ماده یک، نه، بیست و چهار، بیست و پنج و بیست و شش و عنوان فصل سوم و چهارم کلمه «تبدیل» حذف نشده است. تبدیل کیفر برابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از اختیارات دادگاه است و در مرحله صدور حکم و ضمن آن انجام می‌پذیرد. همچنین از آنجا که تبدیل کیفر همانند تعیین آن طبق اصل ۳۶ قانون اساسی^{۱۱} یک امر قضایی و ماهوی است و پس از تعیین برابر قانون حکم امر مختومه کیفری را

۱۱. برای آگاهی بیشتر در مورد اهمیت و آثار کیفر و شناخت آن و خصوصاً لزوم مداخله مقام صالح قضایی برابر قانون در تعیین آن، نگاه کنید به:
- صفاری؛ پیشین، ص ۱۲-۷ و ص ۱۶۵-۱۶۲
- رحیم، نوبهار؛ اصل قضایی بودن مجازات‌ها: تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹.

می یابد جز در موارد منصوص قانونی مثل تجدید نظر یا اعاده دادرسی قابل تبدیل نیست. در نتیجه به نظر می رسد که تبدیل کیفر، پس از صدور حکم تحت عنوان عفو دست کم با ظاهر قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی مغایر است و اصلاح سریع «آیین نامه مرداد ۸۷» و حذف واژه تبدیل نه تنها از عنوان آن بسیار به جا بوده بلکه برخی مواد پیش گفته «آیین نامه آذر ۸۷» نیز از این لحاظ نیازمند اصلاح است.

۲. سابقه تاریخی آیین نامه های عفو

بنیاد عفو را شاید بتوان یکی از قدیمی ترین بنیادهای حقوق کیفری در ایران دانست که حتی سابقه تاریخی آن را به زمان کوروش نسبت داده اند. در کتاب های تاریخ باستان ایران آمده که کوروش کبیر پس از تسخیر بابل اعلام عفو عمومی نمود^{۱۲}. در قسمتی از وصیت نامه داریوش کبیر نیز خطاب به فرزندش خشایار شاه آمده: «عفو و دوستی را فراموش مکن و بدان بعد از عدالت، برجسته ترین صفت پادشاهان عفو است و سخاوت. ولی عفو باید فقط موقعی باشد که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو عفو کنی ظلم کرده ای زیرا، حق دیگری را پایمال نموده ای»^{۱۳}. سابقه تقنینی نهاد عفو به صورت مدون و امروزی در حقوق کیفری ایران پیش از انقلاب اسلامی به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ باز می گردد. مطابق ماده ۴۳ این قانون «هیچ جنایت و جحه ای را نمی توان عفو نمود یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که

۱۲. ویلهلم، ولفگانگ؛ کوروش کبیر، ترجمه کریم طاهر زاده بهزاد، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۳.

۱۳. مذکور در:

- صفاری؛ منبع پیشین، پیش گفتار چاپ نهم.

قانون آن را قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است.». همچنین ماده ۵۴ این قانون به عفو عمومی و ماده ۵۵ به عفو خصوصی اختصاص داده شده بود. قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ نیز در فصل دهم با عنوان «اعاده حیثیت» ماده ۵۵ و ۵۶ را به عفو اختصاص داده بود.^{۱۴}

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ که به وظایف و اختیارات رهبر پرداخته بود، در بند ۶ به موضوع عفو اشاره می‌نمود. به موجب این بند «عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور» با مقام رهبری است. این موضوع، در ماده ۳۸ قانون راجع به مجازات اسلامی

۱۴. به موجب ماده ۵۵ - عفو عمومی که به موجب قانون مخصوص اعطاء می‌شود تعقیب و دادرسی را موقوف و در صورت صدور حکم محکومیت اجرای مجازات را متوقف و آثار محکومیت را زایل می‌کند. در مواردی که قسمتی از مجازات به موجب قانون بخشوده شود آثار کیفری باقی خواهد ماند مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد. همچنین در ماده ۵۶ مقرر شده بود - در مورد جرائم سیاسی تمام یا قسمتی از مجازات و در سایر جرائم قسمتی از مجازات محکومین به حکم قطعی به ترتیب زیر ممکن است مورد عفو ملوکانه قرار گیرد:

۱. مجازات اعدام به حبس ابد یا ۱۵ سال حبس جنایی درجه ۱ تبدیل می‌شود.
۲. مجازات حبس ابد تا ۱۰ سال حبس جنایی درجه ۱ تبدیل می‌شود.
۳. مجازات حبس جنایی درجه ۱ تا حداقل مجازات جنایی درجه ۲ تبدیل می‌شود.
۴. مجازات حبس جنایی درجه ۲ تا شش ماه حبس جنحه‌ای تبدیل می‌شود.
۵. سایر مجازات‌ها تا حداقل حبس جنحه‌ای یا به جزای نقدی تبدیل می‌شود
۶. جزای نقدی اعم از اینکه تنها یا توأم با مجازات دیگر باشد تا حداقل جزای نقدی جنحه‌ای تبدیل می‌شود.

تقاضای عفو از طرف وزیر دادگستری پیشنهاد می‌شود و به وسیله نخست‌وزیر به عرض ملوکانه می‌رسد. تبصره - در جرائم سیاسی عفو ملوکانه ممکن است شامل مجازات تبعی و تکمیلی هم باشد ولی در سایر جرائم فقط مجازات اصلی مورد عفو قرار می‌گیرد.

مصوب ۱۳۶۱ نیز عیناً تکرار شده بود. پس از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰، پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه توسط مقام رهبری انجام می‌پذیرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز با اندک تغییری همین مفهوم را در ماده ۲۴ لحاظ نموده است.

اولین آیین‌نامه در خصوص عفو محکومین تحت عنوان «آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی» در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۲۴ در هشت ماده به تصویب وزارت دادگستری رسید. تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه مناسبت‌های خاصی را برای تشکیل کمیسیون عفو در نظر نگرفته بودند بلکه تنها در اجرای ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده بود که هر چهار ماه یک مرتبه تحت نظر ریاست اداره حقوقی وزارت دادگستری، کمیسیونی مرکب از الف) دادستان استان، ب) دادستان دیوان کیفر، ج) دادستان شهرستان، د) نماینده وزارت جنگ، ه) رئیس زندان شهربانی تشکیل می‌شود. ماده اول این آیین‌نامه نخستین بار در آذر سال ۱۳۴۲ مورد اصلاح قرار گرفت و برای اولین بار جهت تشکیل کمیسیون عفو، چهار مناسبت پیش‌بینی گردید که عبارت بود از:

الف) آغاز سال.

ب) پایان سه ماه اول سال.

ج) ولادت شاه ایران.

د) سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر.

یک سال بعد در ۲۸ شهریور ۱۳۴۳، آیین‌نامه دیگری تحت عنوان «آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی» به تصویب وزیر دادگستری وقت رسید. در این آیین‌نامه که در هجده ماده تنظیم گردیده مقرر شده بود که هر سال چهار بار به مناسبت‌های ذیل کمیسیونی تحت نظر رئیس اداره فنی دادگستری مرکب از دادستان استان مرکز و دادستان دیوان کیفر کارکنان دولت و دادستان شهرستان تهران و نماینده وزارت جنگ (با حداقل

درجه سرهنگی) و رئیس اداره زندان تشکیل گردد.

الف) عید نوروز.

ب) قیام ملی بیست و هشتم مرداد.

ج) ولادت شاه.

د) سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر (نوزدهم آذرماه).

این آیین نامه در ۱۳۵۴/۴/۲۳ مجدداً با اصلاحاتی این بار در سیزده ماده به تصویب وزیر دادگستری وقت رسید و تا زمان انقلاب اسلامی ایران مورد اجرا قرار می گرفت.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نهاد عفو همچنان مورد توجه مقنن قرار داشت اما این بار توجه به منابع شریعت اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفت. به این سان آیین نامه عفو محکومین نیز از تأثیر آموزه های مذهبی بی نصیب نماند. لذا اولین آیین نامه عفو بخشودگی پس از انقلاب در چهارده ماده در مورخ ۱۳۵۹/۲/۲۱ به تصویب شورای سرپرستی وزارت دادگستری رسید. علی رغم گذشت حدود دو سال از انقلاب اسلامی به دلیل آنکه قانون مجازات اسلامی به تصویب نرسیده بود، برابر ماده یک این آیین نامه، در اجرای ماده ۵۶ قانون مجازات عمومی دایر بر تخفیف یا تبدیل کیفر جرائم غیر سیاسی به ترتیب زیرین مواعیدی برای عفو در نظر گرفته شد:

الف) به مناسبت عید نوروز و آغاز سال.

ب) ۲۲ بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

ج) ۱۲ فروردین سالروز تأسیس جمهوری اسلامی ایران.

د) مبعث رسول اکرم ۲۷ رجب المرجب.

ه) به مناسبت جشن پانزدهم شعبان.

و) به مناسبت عید قربان.

ز) به مناسبت سالروز جهانی حقوق بشر.

عمر این آیین نامه تنها نه ماه دوام داشت زیرا، در مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ آیین نامه جدیدی در چهارده ماده به تصویب شورای عالی قضایی (سابق) رسید. در ماده یک این آیین نامه آمده بود که " در اجرای بند ۶ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مناسبت های زیر محکومین با لحاظ شرایط آیین نامه مورد عفو قرار می گیرند":

الف) مبعث رسول اکرم (ص) ۲۷ رجب

ب) عید فطر

ج) عید قربان (۱۰ ذیحجه)

د) میلاد پیامبر اکرم (ص) ۱۷ ربیع

ه) عید غدیر

و) جشن پانزدهم شعبان

ز) ۲۲ بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

ح) ۱۲ فروردین سالروز تأسیس جمهوری اسلامی ایران

ط) به مناسبت عید نوروز

نکته قابل تأمل در خصوص این آیین نامه این بود که اولاً: در اجرای بند ۶ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی تنظیم شده بود و ثانياً: سالروز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک روز بین المللی از مناسبت های تشکیل کمیسیون عفو حذف گردید و در عوض مناسبت های اسلامی بیشتری به آن افزوده شد. از این تاریخ تاکنون آیین نامه عفو پنج مرتبه مورد اصلاحات قرار گرفته است که عبارتند از:

۱. آیین نامه مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۰ مصوب رئیس قوه قضائیه^{۱۵}.

۱۵. نگاه کنید به:

- نوریها؛ پیشین، ص ۵۰۵.

۲. آیین‌نامه مورخ ۷۱/۱۲/۱۶ مصوب ریاست قوه قضائیه.
 ۳. آیین‌نامه مورخ ۷۳/۹/۱۹ پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و مصوب مقام رهبری.
 ۴. آیین‌نامه مورخ ۸۷/۵/۱۶ مصوب رئیس قوه قضائیه.
 ۵. آیین‌نامه مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۲ مصوب رئیس قوه قضائیه.
- در ادامه، دو آیین‌نامه اخیر از دو جهت تغییرات شکلی و تغییرات ماهوی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

ب) ارزیابی تغییرات «آیین‌نامه آذر ۸۷» نسبت به «آیین‌نامه مرداد ۸۷»

این قسمت به تحلیل تفاوت‌های دو آیین‌نامه مرداد و آذر ۱۳۸۷ اختصاص دارد که تحت دو عنوان تغییرات شکلی یا ظاهری و تفاوت‌های ماهیتی مطرح می‌شود. لازم به ذکر است که به نظر نگارنده، یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر سریع و غیره منتظره «آیین‌نامه مرداد ۸۷» و جایگزینی آن به وسیله «آیین‌نامه آذر ۸۷» همین موارد شکلی بوده، هرچند دلایل دیگر که ناظر به امور محتوایی است نیز در این امر دخیل به نظر می‌رسد. در هر حال تا زمان نگارش این جستار هیچ اظهار نظر رسمی از سوی مقامات مسئول در این خصوص منتشر نشده است.

۱. ارزیابی تغییرات شکلی

اگر چه برخی تغییرات ظاهری در آیین‌نامه اخیر نسبت به آیین‌نامه قبلی تنها به عنوان جایگزین شدن ساده برخی کلمات به نظر می‌رسند اما به راحتی نمی‌توان از کنار آنها

گذشت، زیرا، چنانچه در بحث آتی مشخص می‌گردد کاربرد برخی کلمات و عبارات در «آیین‌نامه مرداد ۸۷» بر خلاف قانون، به‌ویژه قانون اساسی، بود و علی‌رغم تلاش تهیه‌کنندگان در رفع این اشکال در «آیین‌نامه آذر ۸۷» باز اشکالاتی باقی مانده است.

نخستین مسأله در مورد تنظیم «آیین‌نامه مرداد ۸۷»، عنوان انتخابی برای این آیین‌نامه بود، یعنی «آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات». این درحالی است که به موجب قانون اساسی در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ تنها عفو و تخفیف مجازات محکومین با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و موافقت رهبری امکان‌پذیر است و تبدیل کیفر در آن ذکر نشده است. سابقه تنظیم آیین‌نامه‌ها در خصوص نهاد عفو چه پیش و چه پس از انقلاب نیز بیانگر این است که تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه‌ها همواره بر واژه‌های عفو و تخفیف مجازات در معنای اخص کلمه تکیه داشته‌اند. شاید به همین دلیل است که ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی نیز ذیل فصل دوم و تحت عنوان «تخفیف مجازات» آمده است. اما در «آیین‌نامه مرداد ۸۷» خلاف رویه گذشته عنوان جدیدی برای آن انتخاب و معنای عفو توسعه داده شد. تنظیم‌کنندگان این آیین‌نامه با اضافه نمودن واژه (تبدیل) به عنوان آن گویی معنایی جدید برای عفو جعل نمودند و تبدیل مجازات را نیز دست کم از لحاظ شکلی با عفو هم معنی گرفتند. این در حالی است که اگر چه تبدیل مجازات نهادی در جهت ارفاق به مرتکب جرم است و می‌تواند نوعی تخفیف محسوب شود^{۱۶} اما به صراحت قانون مجازات

۱۶. به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۹-۱۳۷۳/۸/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه: «طبق مفاد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه فقط می‌تواند مجازات را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات دیگر که به حال متهم مناسب‌تر باشد بنماید. بنابر این دادگاه مجاز نیست در یک حکم مجازات جرم ارتكابی را بدو به حبس معین و سپس مجازات اخیر را با اعمال جهات تخفیف به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید.» برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به:

اسلامی در ماده ۲۲ تبدیل کیفر صرفاً از اختیارات دادگاه و در مرحله صدور حکم است و پس از آن هم هیچ مقامی حق تبدیل آن را ندارد.

متأسفانه این موضع خلاف قانون و در عین حال متزلزل تهیه کنندگان آیین نامه های مورد بحث علی رغم تلاش آنها در جهت حفظ ظاهری قانون در آیین نامه جدید نیز ادامه یافته است. زیرا، اگر چه عنوان «آیین نامه مرداد ۸۷» در آذر ۸۷ با حذف کلمه «تبدیل» از عنوان آیین نامه اصلاح گردید و در نتیجه به «آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین» تغییر یافت، اما قابل درک نیست که چرا با افزودن یک ماده به «آیین نامه آذر ماه ۸۷» (ماده ۲۱) بر این دیدگاه خلاف قانون تأکید شد و کلمه «تبدیل» در برخی مواد دیگر آیین نامه جدید مثل گذشته بدون تغییر ماند.^{۱۷}

اگر چه در یک برداشت کلی می توان تبدیل را هم نوعی تخفیف کیفر دانست اما مغایرت آن با ظاهر الفاظ قانون اساسی و قانون عادی در مورد عفو قابل چشم پوشی نیست. در گذشته نیز تنها موردی که از تبدیل در جهت عفو و تخفیف استفاده شده کاهش کیفر اعدام به حبس ابد است، زیرا، جز این راهی قابل تصور نبوده است. به هر حال، پذیرش وسیع تبدیل کیفر به عنوان عفو اگر به ناچار در مورد برخی کیفرهای بدنی که قابل درجه بندی نیستند (مثل قطع عضو به شرطی که از مستثنیات نباشند) می تواند به استقلال

←

- رضا، نوربها؛ تعدیل شدت مجازات (تخفیف کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، بهار و زمستان ۱۳۸۰، صص ۷-۳۰.

- فرخ، هدایی؛ تعلیق و تخفیف مجازات، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۸۷/۳/۲۴۲۰۶، ۹.

۱۷. مطابق ماده ۲۱: «کمیسیون های مرکزی، استانی و سازمان قضایی نیروهای مسلح می توانند به عنوان تخفیف مجازات محکومین، تبدیل مجازات تعیین شده به مجازاتی از نوع دیگر را [که] مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، پیشنهاد کنند». توضیح اینکه حرف ربط [که] در متن اصلی وجود ندارد و افزوده شده است.

قضایی قضات خدشه وارد کرده و این واقعیت قانونی که تبدیل کیفر از اختیارات قانونی دادگاه به هنگام صدور حکم است را از بین ببرد.

دومین مسأله در تغییر «آیین‌نامه مرداد ۸۷» مربوط به تشکیلات اجرایی فرایند اعطای عفو می‌باشد. در این آیین‌نامه به دو کمیسیون اشاره شده بود که برای رسیدگی به درخواست‌های عفو و احراز صلاحیت واجدین برخورداری از عفو تشکیل می‌شدند.^{۱۸} در آیین‌نامه مزبور قاضی ناظر زندان مربوط، یکی از اعضا در کمیسیون استانی بود ولی در «آیین‌نامه آذر ۸۷» نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه مستقر در استان جایگزین وی گردید. شاید بتوان این تغییر را - آن چنان که در پی خواهد آمد - یک تحول مثبت در جهت بهینه‌سازی استفاده از نهاد عفو تلقی نمود اما از این تغییر بیش از هر چیز تمرکزگرایی و اعمال کنترل بیشتر بر تصمیمات مقامات محلی قضایی قابل برداشت است. به نظر می‌رسد دلیل این جابه‌جایی را بتوان در اهمیت حوزه نظارت قضایی ویژه در ساختار فعلی قوه قضائیه جستجو نمود^{۱۹} به این معنا که یکی از دلایل تشکیل حوزه نظارت آمدن

۱۸. کمیسیون مرکزی مرکب از پنج نفر قضات آشنا به احکام شرع انور و قانون با پایه قضایی ده به بالا تشکیل می‌گردد که توسط رئیس قوه قضائیه برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند. کمیسیون استانی مرکب از رئیس کل دادگستری استان، نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه مستقر در استان، دادستان مرکز استان و مدیرکل زندان‌های استان به ریاست رئیس کل دادگستری استان تشکیل می‌گردد. جلسات کمیسیون با حضور سه نفر از اعضاء رسمیت خواهد یافت و تصمیمات با سه رأی موافق معتبر است.

۱۹. گفتنی است سابقه حوزه نظارت ویژه به دفتر نظارت و پیگیری که در زمان شورای عالی قضایی و تصدی ریاست دستگاه قضایی توسط آیت‌الله یزدی به صورت دفتر وجود داشت، از نظر تشکیلاتی تقویت شد و به عنوان اداره کل نظارت و پیگیری قوه قضائیه فعالیت خود را در راستای تنظیم و منظم نمودن ملاقات‌های مردمی رئیس قوه قضائیه و همچنین نظارت بر احکام صادره در قالب اعمال ماده ۲ قانون

یک مرجع برای پیگیری شکایات مردم از مواردی است که بی عدالتی در فرآیند دادرسی می‌پندارند تا اگر حقی از آنان تضییع شده مورد رسیدگی قرار گیرد و به عدالت قضایی بیشتر نزدیک شوند. با توجه به این امر و جایگاه خطیر و فواید این تأسیس از جمله نظارت غیرمستقیم و آگاهی از نحوه برخورد واحدهای ذی ربط دستگاه قضایی با مردم، کشف جریانات سوء در رسیدگی‌ها، آشنایی با معاذیر و موانع قانونی در اجرای عدالت که در قالب نقض قوانین و یا مشکلات دیگر خود را نشان خواهد داد و شناخت آسیب‌های دستگاه قضایی و جایگاه حوزه نظارت قضایی ویژه از منظر رئیس وقت قوه قضائیه که حوزه نظارت قضایی ویژه را مأمّن و ملجاء خوب و خدمتی بزرگ برای مردم توصیف نموده بود^{۲۰}، لذا شاید تدوین کنندگان آیین نامه آذر را واداشت تا نماینده‌ای از حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه در زمره اعضای کمیسیون استانی قرار گیرد.^{۲۱} با این حال، با توجه به اینکه در کمیسیون استانی برای رسیدگی به پرونده‌های درخواست عفو تصمیمات کمیسیون با سه رای موافق معتبر است و با عنایت به انتخاب نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه در کمیسیون استانی و اهمیت و قدرت اجرایی حوزه نظارت ویژه

←

اختیارات ریاست قوه قضائیه شروع کرد. که در حال حاضر اداره کل نظارت زیر مجموعه حوزه قضایی نظارت ویژه قرار گرفت.

۲۰. نگاه کنید به: بازدید شاهرودی از حوزه نظارت قضایی ویژه، خبرگزاری فردا، ۲ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در:

<http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=83427>

۲۱. هرچند برخی معتقدند اتفاقاً تغییر قاضی ناظر زندان به نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه اولاً: از این جهت که قاضی ناظر زندان به طریق مطلوب‌تری با رفتار و خلیقات فرد زندانی متقاضی عفو آشنایی داشته و این اشراف در خصوص نماینده حوزه نظارت ویژه وجود ندارد یک تحول غیر مثبت می‌باشد. ثانیاً: جایگزین نمودن نماینده حوزه نظارت ویژه موجب دخالت بیشتر رئیس قوه قضائیه (به‌طور غیر مستقیم) در امر اعطای عفو می‌باشد که این امر نیز به خودی خود ویژگی مثبتی نمی‌باشد.

شایسته‌تر این بود تا نماینده حوزه نظارت یکی از اعضا دائم برای تصمیمات کمیسیون در نظر گرفته می‌شد.

سومین مسأله قابل طرح اینکه شیوه و فرایند درخواست اعطای عفو به واجدین شرایط در دو آیین‌نامه مرداد و آذر تغییر یافت. مطابق ماده ۸ «آیین‌نامه مرداد ۸۷» پس از احراز شرایط عفو توسط کمیسیون استانی ضمن تشریح جهات و دلایل استحقاق عفو، گزارش کاملی از وضعیت محکومین استان یا سازمان به‌طور مستدل و مستند همراه با جمع‌بندی و پیشنهاد به دبیرخانه کمیسیون مرکزی ارسال می‌گردید. اما این رویه در «آیین‌نامه آذر ۸۷» تغییر یافت. در مقایسه این آیین‌نامه با «آیین‌نامه مرداد ۸۷»، صافی جدیدی قبل از ارسال لیست واجدین عفو به رئیس قوه قضائیه مشاهده می‌شود و آن وجود کمیسیون مرکزی است. برابر «آیین‌نامه مرداد ۸۷» (ماده ۸) فهرست اسامی واجدین عفو، مستقیماً به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال می‌شد^{۲۲}، در حالی که در «آیین‌نامه آذر ۸۷» پس از ارزیابی شرایط، فهرست درخواست‌کنندگان عفو که نظر کمیسیون استانی نیز بر عفو یا تخفیف مجازات آنها می‌باشد به دبیرخانه کمیسیون مرکزی ارسال تا به نوبت در کمیسیون مرکزی مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تصویب به استحضار رئیس قوه برسد. به‌نظر می‌رسد، قرار دادن یک صافی دیگر در فرآیند بررسی واجدین عفو، از یک سو به درستی انجام پذیرفته تا اشکالی که در «آیین‌نامه مرداد ۸۷» وجود داشت بر طرف گردد. اشکال موجود

۲۲. «ماده ۸ - کمیسیون استانی پس از رسمیت نسبت به بررسی مدارک، مندرجات و ارزیابی شرایط درخصوص تقاضای عفو رسیدگی و با اکثریت آراء اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورتی که نظر کمیسیون مزبور بر عفو یا تخفیف مجازات باشد، ضمن تشریح جهات و دلایل مراتب به حوزه ریاست قوه قضائیه جهت قرار دادن در لیست عفو ارسال می‌گردد و در غیر این صورت، ضمن تشریح جهات و دلایل مراتب را جهت رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی به کمیسیون مرکزی ارسال خواهد نمود».

به این شرح بود که در «آیین‌نامه مرداد ۸۷» میان ماده ۸ و ماده ۱۵ تضاد آشکاری در نحوه ارسال فهرست اسامی تقاضا کنندگان عفو موجود بود^{۲۳}، زیرا، در ماده ۸ «آیین‌نامه مرداد ۸۷»، مقرر شده بود که فهرست اسامی مستقیماً از کمیسیون استانی به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال شود در حالی که در ماده ۱۵ همین آیین‌نامه مقرر شده بود تا فهرست اسامی پس از بررسی کمیسیون استانی توسط کمیسیون مرکزی به دفتر رئیس قوه قضائیه ارسال گردد. این تعارض ملموس و روشن می‌توانست در فرایند اداری و اجرایی عفو ایجاد مشکل کند که با تصویب آیین‌نامه آذر این اشکال بر طرف گردید. از سوی دیگر، اگر چه نظارت‌های متعدد می‌تواند اعطای صحیح عفو و جلوگیری از نفوذ افراد و جریانانی در سوء استفاده از آن را تضمین کند ولی در عین حال باعث طولانی شدن و گاهی مخالفت‌های بی جا در اعطای عفو به برخی افراد نیز می‌شود که قابل توجیه نیست.

۲. ارزیابی تغییرات ماهوی

در ماده ۶ «آیین‌نامه آذر» اشخاص ذی‌صلاح درخواست کننده عفو ذکر شده‌اند که در بند ۶ آن می‌توان محدودیتی غیر قابل توجیه را نسبت به آیین‌نامه قدیم مشاهده نمود^{۲۴}.

۲۳. به موجب ماده ۱۵- کمیسیون‌های مرکزی و استانی، حداقل هر ۱۵ روز یک بار و در مواقع ضروری به صورت فوق‌العاده تشکیل جلسه می‌دهند. کمیسیون استانی درخواست‌های رسیده را بررسی و تصمیمات اتخاذ شده را یک ماه پیش از موعد مقرر به کمیسیون مرکزی تقدیم می‌نماید و کمیسیون مزبور باید حداکثر ۱۵ روز قبل از موعد مقرر فهرست اسامی دارندگان شرایط عفو را توسط رئیس کمیسیون مرکزی به رئیس قوه قضائیه تقدیم دارد. (مصوب ۸۷/۵/۱۶)

۲۴. به موجب ماده ۶- اشخاص زیر می‌توانند درخواست عفو را پیشنهاد کنند:
 ۱. رئیس دادگستری مربوط، ۲. دادستان مربوط، ۳. قاضی ناظر زندان مربوط، ۴. رئیس زندان مربوط، ۵. محکوم علیه، ۶. پدر و مادر و همسر و فرزندان محکوم علیه.

در بند ۶ آیین نامه قدیم خانواده و بستگان محکوم علیه از جمله کسانی بودند که می توانستند برای عفو محکوم علیه درخواست عفو نمایند، در صورتی که در بند ۶ ماده ۶ آیین نامه جدید کلمه بستگان محکوم علیه حذف و تنها به خویشان درجه یک محکوم علیه اجازه درخواست عفو داده شده که با این تغییر، شیوه درخواست عفو سخت گیرانه تر گردیده است. در نتیجه می توان گفت در «آیین نامه آذر» شاهد سخت گیری نسبت به عفو محکومین بوده و مسئولان از رویکرد نرمش در برابر برخی محکومین که در چند سال اخیر بر آن تکیه می شد عدول کرده اند. نمونه دیگری از این سخت گیری را از مقایسه شرایط عفو در «آیین نامه آذر» نسبت به «آیین نامه مرداد» می توان مشاهده نمود. در بند ۵ ماده ۲۵ «آیین نامه آذر» که به شرایط عفو می پردازد این سخت گیری نسبت به محکومین غیر از حبس ابد اعمال می شود. در «آیین نامه مرداد» محکومین در صورت تحمل یک چهارم باقی مانده از حبس می توانستند تقاضای عفو نمایند در صورتی که در «آیین نامه آذر» این مدت از یک چهارم به یک سوم افزایش یافته است.

نمونه دیگر از این سخت گیری در جرائمی است که مشمول عفو و تخفیف مجازات نمی شود.^{۲۵} یکی از موارد مذکور در ماده ۲۶ «آیین نامه آذر» قاچاقچیان حرفه ای است در

۲۵. مطابق ماده ۲۶- موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی شود: (مصوب ۸۷/۹/۱۲)

۱. قاچاقچیان حرفه ای.

۲. موارد حق الناس.

۳. سرقت مسلحانه.

۴. تجاوز به زنای به عنف. (در متن روزنامه رسمی به همین شکل آمده و دارای ثقل بیان است)

۵. مصادیق مهم جرائمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی.

۶. محکومین به جرائم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم مانند زنای محصنه و لواط مشروط بر اینکه جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد.

صورتی که در «آیین نامه مرداد» فقط قاچاقچیان حرفه‌ای مواد مخدر غیر قابل عفو در نظر گرفته شده بودند. به دیگر سخن، در «آیین نامه آذر» به صورت کلی به موضوع قاچاق می‌پردازد و مطلق قاچاقچی حرفه‌ای غیر قابل عفو است که با این تغییر افراد و جرائم بیشتری از شمول عفو و تخفیف خارج می‌شوند. در عین حال قابل تأکید است که بند ۶ به آیین نامه اخیر اضافه شده و قبلاً وجود نداشت که به نظر می‌رسد نوعی نرمش در برابر جرایم مستوجب حد مثل لواط و زنای محصنه باشد.

اشکال قابل تأملی که در «آیین نامه آذر» دیده می‌شود و در «آیین نامه مرداد» نیز وجود داشت و انتظار منطقی این بود که در آیین نامه جدید اصلاح شود ولی اصلاح نگردید، اختیارات وسیعی است که به رئیس قوه قضائیه اعطا شده است. طبق تبصره ماده مذکور، حرفه‌ای بودن و تعیین مصادیق مهم به تشخیص رئیس قوه قضائیه است که این تشخیص و تفسیرهای شخصی از حرفه‌ای بودن و مصادیق مهم باعث ایجاد رویه‌های مختلف شخصی و در نهایت به ضرر محکومین و نظام قضایی تمام می‌شود. این اختیارات وسیع در تاریخ ۸۸/۴/۳۱ طی دستورالعمل مقام رهبری کاسته و از موارد مذکور تا حدودی ابهام‌زدایی گردید.^{۲۶}

مطابق دستور العمل مورخ ۸۸/۴/۳۱ معیار و ضابطه‌ای برای حرفه‌ای بودن جرم قاچاق و همچنین برای مصادیق مهم جرائم آدم‌ربایی، اختلاس و ارتشاء به این ترتیب اعلام شد:

۱. ملاک برای تشخیص قاچاقچیان حرفه‌ای، آن دسته محکومانی می‌باشند که مکرر مبادرت به قاچاق کرده‌اند و دخالت در امر قاچاق به کیفیتی باشد که آنان را مشهور و نوعاً حرفه و شغل محکوم باشد به طوری که از کسی که به میزان کم و برای یک یا دو بار

←

تبصره - حرفه‌ای بودن و تعیین مصادیق مهم مقرر در این ماده به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

۲۶. روزنامه کیهان، شماره ۱۹۴۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱، ص ۳.

مرتکب شده است متمایز سازد.

۲. مصادیق مهم آدم‌ربایی، مواردی است که ارتکاب جرم با انگیزه اخذ مال و یا تجاوز و تعرض جسمانی به مجنی‌علیه صورت گرفته باشد.

۳. مصادیق مهم اختلاس مواردی است که مبلغ اختلاس بیش از پانصد میلیون ریال و در موارد ارثاء، بیش از مبلغ یکصد میلیون ریال صورت گرفته باشد.

مطابق ماده ۱۰ «آیین‌نامه آذر»، تقاضای عفو به اجرای احکام شهرستان تحویل و پس از تکمیل مدارک به کمیسیون استانی ارسال می‌شود. از وظایف کمیسیون استانی می‌توان به بررسی مدارک، مندرجات و ارزیابی شرایط در خصوص تقاضای عفو اشاره نمود که البته با اکثریت آراء اتخاذ تصمیم می‌نماید. گفتنی است کمیسیون استانی پس از بررسی درخواست‌های رسیده و تصمیمات اتخاذ شده فهرست محکومینی را که دارای شرایط عفو می‌باشند یک ماه پیش از موعد مقرر به کمیسیون مرکزی تقدیم می‌نماید. کمیسیون مزبور باید تصمیمات اتخاذ شده از سوی کمیسیون استانی را مجدداً بررسی و حداکثر بیست روز قبل از موعد مقرر فهرست اسامی نهایی دارندگان شرایط عفو را توسط رئیس کمیسیون مرکزی به رئیس قوه قضائیه تقدیم دارد و پیشنهاد عفو باید پانزده روز قبل از مناسبت مقرر به محضر مقام رهبری تقدیم شود.

رئیس کل دادگستری هر استان مطابق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور مسئول تشکیل جلسات و نظارت بر حسن انجام وظایف کمیسیون استانی در مورد عفو و تخفیف مجازات محکومین دادگاه‌های عمومی و انقلاب است.^{۲۷} با عنایت به این موضوع که رئیس کل

۲۷. به موجب ماده ۷- رئیس کل دادگستری هر استان مسئول تشکیل جلسات و نظارت بر حسن انجام وظایف کمیسیون استانی در مورد عفو و تخفیف مجازات محکومین دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و پس از انجام تحقیقات لازم و احراز صحت مندرجات مدارک مربوط و اخذ نظریه اداره اطلاعات در رابطه

دادگستری خود از اعضای کمیسیون استانی می باشد بررسی مجدد پرونده ها و احراز صحت مدارک تنها موجب اطاله وقت می باشد و با در نظر گرفتن این مسئله که جلوگیری از اطاله فرایند عفو و متفرعات آن که یکی از اهداف عالیه متولیان دستگاه قضا بوده است، این تغییر را نیز می توان به ضرر محکومین و یک تحول منفی تلقی نمود و در ضمن این احتمال وجود دارد که اقدامات کمیسیون استانی نیز زیر سؤال رود. زیرا، کمیسیون استانی در حدی که لازم بدانند با توجه به هر پرونده تحقیقات لازم را انجام می دهد و تحقیقات بیشتر و نظارت بر حسن انجام وظایف کمیسیون توسط رئیس کل دادگستری استان - که خود از اعضای کمیسیون استانی می باشد - توجیه چندان قوی ندارد.^{۲۸}

← با جرائم گروهکی و امنیتی و نظریه ستاد مبارزه با مواد مخدر در جرائم مهم مواد مخدر مانند: قاچاق مسلحانه یا سازمان یافته و نیز محکومین به اعدام، حبس ابد و حبس بیش از بیست سال در یک دادنامه، نسبت به تشکیل جلسات کمیسیون استانی اقدام می نماید. تبصره - اداره اطلاعات و ستاد مبارزه با مواد مخدر موظفند از تاریخ وصول استعلام حداکثر ظرف یک ماه پاسخ مقتضی را ارسال نمایند.

۲۸. گفتنی است در «آیین نامه مرداد ۸۷» وظیفه رئیس کل دادگستری استان تنها به احراز صحت مدارک متقاضیان عفو و تشکیل جلسات کمیسیون استانی اختصاص داشت.

نتیجه‌گیری

زندان‌ها از یک ظرفیت معینی برای پذیرش محکومین برخوردارند^{۲۹}، اگر در یک جامعه بیش از حد قابل تحمل جرم منجر به محکومیت زندان واقع شود، دولت (به معنای عام) برای کاهش جمعیت کیفری از ساز و کارهای کنترلی و تنظیم‌کننده استفاده می‌نماید. یکی از این ساز و کارها استفاده از نهاد عفو می‌باشد. برای عملیاتی نمودن نهاد عفو هر حکومتی سیاست‌ها و تشکیلات خاصی را برای خود تعریف می‌کند. از طرفی با توجه به این که بنیاد عفو می‌تواند یکی از کارآمدترین ساز و کارها برای آشتی مجدد محکومین با جامعه و بازپذیری و بازسازی آنها باشد در نحوه تنظیم شرایط محکومین سزاوار برای اعطای عفو می‌بایست دقت فراوانی نمود تا از دریافت نتیجه منفی از این نهاد قانونی و اخلاقی اجتناب شود. به این سان با اعطای آگاهانه عفو، حتی می‌توان از بزهکاران بالقوه آینده (از همه مهم‌تر، فرزندان و همسر محکوم علیه) نیز جلوگیری کرد. در نتیجه به جا است که اعطای چنین فرصتی به محکوم علیه بر عهده بالاترین مقام یا شورای حکومتی در هر رژیم سیاسی باشد. به علاوه ایجاد تشکیلات نهاد عفو بایستی از هر نقص و اشتباه قانونی بری باشد تا در نحوه اجرای مقررات عفو محکومین با مشکلات کمتری مواجه شد و محکومینی که شرایط استفاده از عفو را پیدا نموده‌اند به دلیل عدم سرعت در پاسخگویی مراجع متولی اعطای عفو، زمان کوتاه‌تری را در زندان بمانند و کسانی که مستحق عفو نیستند نتوانند از این نهاد ارفاقی بهره‌مند شوند.

بررسی دو آیین‌نامه اخیر التصویب در سال ۱۳۸۷ در خصوص شرایط و ساز و

۲۹. مطابق آمار رسمی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در سال ۱۳۸۷ در ۷ زندان و ندامتگاه استان تهران ۱۴۵ هزار نفر زندانی وجود داشته است. نگاه کنید به: محمود، سالار کیا: مصاحبه با روزنامه آفتاب یزد، دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۷.

کارهای اعطای عفو به محکومین نشان داد که آیین‌نامه مصوب ۸۷/۹/۱۲ تا حدود زیادی اشکالات و نواقص آیین‌نامه مصوب ۸۷/۵/۱۶ را بر طرف نموده است. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در این مقاله مشاهده می‌شود که برخی تغییر و تحولات «آیین‌نامه آذر» نسبت به «آیین‌نامه مرداد» می‌تواند مثبت ارزیابی شود. به این معنا که برخی افراد یا مقامات به درستی جایگزین برخی افراد دیگر شده‌اند، نظیر تغییر نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه به جای قاضی ناظر زندان در ماده ۴ آیین‌نامه مرداد و آذر که با توجه به حضور پررنگ مقامات قضایی در کمیسیون عفو ضرورت چندانی برای حضور قاضی ناظر وجود ندارد. در ماده ۲۱ «آیین‌نامه آذر» به کمیسیون‌های مرکزی، استانی و همچنین سازمان قضایی نیروهای مسلح اجازه پیشنهاد تبدیل مجازات مناسب‌تر به حال محکوم علیه داده شده است. در حالی که مطابق مواد «آیین‌نامه مرداد» تنها امکان عفو یا تخفیف مجازات (دست کم در ظاهر) وجود داشت. به این ترتیب تدوین‌کنندگان «آیین‌نامه آذر» بر این دیدگاه که تبدیل نیز نوعی تخفیف می‌باشد تأکید ورزیده‌اند. ولی باید توجه داشت که طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی فقط عفو و تخفیف و نه تبدیل حتی با چنین تفسیری قابل اعطا است. تبدیل یک مجازات به مجازات مناسب‌تر به حال متهم طبق صریح قانون از اختیارات دادگاه (و نه مرجع دیگر) می‌باشد.

علاوه بر این، برخی از تحولات دارای بار منفی به نظر می‌رسد، به این معنا که در «آیین‌نامه مرداد»، در مواردی عدالت قضایی به نحو مطلوب‌تری رعایت می‌شد ولی در «آیین‌نامه آذر» با اصلاح بلاوجه برخی مواد تا حدودی از عدالت قضایی فاصله گرفته است.

طبق ماده ۷ «آیین‌نامه آذر» رئیس کل دادگستری خود از اعضای کمیسیون استانی می‌باشد و بررسی مجدد پرونده‌ها برای احراز صحت مدارک توسط این مقام به عنوان عضو کمیسیون مرکزی تنها اطاله وقت می‌باشد و با در نظر گرفتن این مسئله که جلوگیری

از اطاله وقت یکی از اهداف قوه قضائیه است این روش تنها به ضرر محکومین و نظام قضایی تمام می‌شود.

نمونه دیگر از تحول منفی در «آیین‌نامه آذر» را می‌توان در نحوه برخورد با موارد رد درخواست عفو در ماده ۸ مشاهده نمود. به این ترتیب که مطابق «آیین‌نامه مرداد ۸۷» در صورتی که نظر کمیسیون استانی بر عفو یا تخفیف به واسطه عدم احراز شرایط متقاضی مساعد نبود این کمیسیون موظف بود تا ضمن تشریح جهات و دلایل، مراتب را جهت رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی به کمیسیون مرکزی ارسال نماید در حالی که مطابق «آیین‌نامه آذر»، در صورت حدوث شرایط مشابه، تنها سابقه را بایگانی خواهند نمود^{۳۰}، مگر مواردی که بر اساس دستور رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی به کمیسیون مرکزی ارجاع شود.^{۳۱} با توجه به اینکه دسترسی افراد به رئیس قوه قضائیه به راحتی ممکن نیست حذف این مرحله در نهایت به ضرر محکومان واجد عفو است. این نکته را نیز نباید ناگفته گذاشت که کسب شرایط مقرر در ماده ۲۴ و ماده ۲۵ «آیین‌نامه آذر» برای متقاضی عفو به سهولت امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که مطابق ماده ۲۰ اگر محکومی فاقد شرایط عفو باشد با اجازه نا محدود رئیس قوه قضائیه در صورت ضرورت، می‌تواند عفو وی پیشنهاد شود. درست است که این پیشنهاد می‌بایست با ذکر علل مرجع همراه باشد اما چه کسی این علل مرجع را بررسی می‌نماید. آیا قضاتی که در

۳۰. البته در صورت بایگانی شدن طرح مجدد درخواست عفو صرفاً برای یک نوبت دیگر با رعایت شرایط این آیین‌نامه بلامانع است.

۳۱. مشابه حکم فوق را می‌توان در ماده ۲۰ «آیین‌نامه آذر» مشاهده نمود. به موجب این ماده: چنانچه عفو محکومین فاقد برخی از شرایط، ضرورت یابد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند عفو آنان را به‌طور جداگانه و با ذکر علل مرجع پیشنهاد کند.

کمیسیون مرکزی توسط رئیس قوه قضائیه منصوب شده‌اند صلاحیت این کار را دارند؟^{۳۲}

۳۲. به موجب ماده ۲۴- سیاست‌های عفو، تخفیف و تبدیل مجازات عبارتند از:
 ۱. توجه به تدابیر و منویات مقام معظم رهبری در مقاطع اعطای عفو.
 ۲. تلقی عفو محکومیت به عنوان یک اقدام معنوی و عنایت نظام جمهوری اسلامی.
 ۳. توجه به میزان تأثیر مجازات، اصلاح بزهکار، احراز ندامت.
 ۴. توجه به ضرورت‌ها، مصالح اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای.
 ۵. توجه به موارد حق الناس و فراهم بودن شرایط و موجبات تأمین ضرر و زیان شاکی خصوصی.
 ۶. توجه به وضعیت و شخصیت محکوم و خانواده وی و اصلاح مجرم.
 ۷. توجه به سوابق کیفری از جهت تکرار و تعدد جرم.
 ۸. عدم اعلام عفو تا قبل از زمان صدور عفو.
 ۹. رعایت اصل طبقه‌بندی اطلاعات در تمام مراحل عفو.
 ۱۰. اعطای عفو موجب بیهوده جلوه دادن امر قضاء، احکام صادره و اجرای کیفرهای قانونی نشود.
- مطابق ماده ۲۵- شرایط عفو، تخفیف و تبدیل مجازات عبارتند از:
 ۱. رعایت سیاست‌ها و تدابیر مندرج در این آیین‌نامه.
 ۲. محکومین به اعدام که مجازات‌شان با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده، در صورت تحمل حداقل ده سال حبس از تاریخ عفو قبلی.
 ۳. عفو محکومین به حبس ابد پس از تحمل ده سال حبس.
 ۴. محکومین به حبس ابد که حبس آنان به پانزده سال تقلیل یافته، پس از گذشت پنج سال از تاریخ عفو قبلی.
 ۵. محکومین غیر از حبس ابد در صورت تحمل یک سوم باقی‌مانده حبس از تاریخ عفو قبلی.
- تبصره - محکومینی که حبس آنان قبلاً مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات قرار گرفته و به جهت جزای نقدی در زندان به سر می‌برند و عاجز از پرداخت می‌باشند، در صورت احراز سایر جهات عفو، مورد عفو قرار می‌گیرند.
۱. به موجب ماده ۱۵- کمیسیون‌های مرکزی و استانی، حداقل هر ۱۵ روز یک بار و در مواقع ضروری به صورت فوق‌العاده تشکیل جلسه می‌دهند. کمیسیون استانی درخواست‌های رسیده را بررسی و تصمیمات اتخاذ شده را یک ماه پیش از موعد مقرر به کمیسیون مرکزی تقدیم می‌نماید و کمیسیون مزبور باید

لذا به نظر می‌رسد می‌بایست اولاً: در تعیین شرایط برای تقاضای عفو تدابیر سهل‌تری اتخاذ شود و در عوض اختیارات کلی و مطلق که در مواد ۸ و ۲۰ به رئیس قوه قضائیه اعطا گردیده، محدود گردد. همچنین لازم است مصداق مفاهیم کلی شبیه تعریف مرتکب حرفه‌ای در خود آیین نامه عفو بیان شود تا شبیه آنچه در آیین نامه مرداد و آذر ۸۷ رخ داده نیازی به دستورالعمل جداگانه نباشد.

←

حداکثر ۱۵ روز قبل از موعد مقرر فهرست اسامی دارندگان شرایط عفو را توسط رئیس کمیسیون مرکزی به رئیس قوه قضائیه تقدیم دارد.

منابع

۱. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری جلد یک و سوم، نشر سازمان چاپ و انتشارات ارشاد، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۲. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۸.
۳. بندرریگی، محمد؛ فرهنگ جدید عربی- فارسی، ترجمه منجد الطلاب، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۴. بهرامی، ابوالفضل؛ جایگاه عفو در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، به راهنمایی: محمود آخوندی، دانشگاه امام صادق، سال ۱۳۷۶.
۵. حقی برسویی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان، احیاء التراث العربی، ج ۶، بی‌تا.
۶. رجائی، حسین؛ اختیار ولی در امر عفو محکومان، به راهنمایی: محسن رهامی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۷. سالار کیا، محمود؛ مصاحبه با روزنامه آفتاب یزد، دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۷.
۸. صفاری، علی؛ کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، چاپ هجدهم، ۱۳۹۰.
۹. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید دو جلدی، بی‌تا.
۱۰. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۱. نوبهار، رحیم؛ اصل قضایی بودن مجازات‌ها: تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. نوربها، رضا؛ تعدیل شدت مجازات (تخفیف کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، بهار و زمستان ۱۳۸۰.
۱۳. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، چاپ بیست و ششم،

۱۳۸۸.

۱۴. هدایی، فرخ؛ تعلیق و تخفیف مجازات، روزنامه اطلاعات، شماره ۹، ۲۰۶
۱۳۸۷/۳/۲۴.

۱۵. ویلهلم، ولفگانگ؛ کوروش کبیر، ترجمه کریم طاهر زاده بهزاد، انتشارات دنیای
کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۱۶. خبرگزاری فردا نیوز به نشانی www.fardanews.com